**موعظۀ کامیابی: فریبنده و مرگبار**

وقتی دربارۀ کلیساهایی مطالعه می‌کنم که انجیل کامیابی را موعظه می‌کنند، واکنشم چیزی جز این نخواهد بود: «اگر مسیحی نمی‌بودم، هرگز نمی‌خواستم به آن روی آورم.» به عبارتی، اگر پیغام عیسی این است، ممنون، نمی‌خواهم.

اینکه به انگیزۀ ثروتمند شدن، مردم را جذب مسیح نماییم، هم فریبنده است و هم مرگبار. فریبنده است، چرا که وقتی عیسی خود، ما را خواند، چنین فرمود: «هر یکی از شما که تمام مایملک خود را ترک نکند، نمی‌تواند شاگرد من شود» (لوقا ۱۴:‏۳۳)؛ و مرگبار است، چرا که اشتیاق برای ثروتمند شدن، «مردم را به تباهی و هلاکت» فرو می‌برد (اول تیموتائوس ۶:‏۹). پس تمنای من از واعظان انجیل این است:

**۱. در خدمتتان رویه‌ای را پیش نگیرید که ورود مردم را به آسمان دشوارتر گرداند.**

عیسی فرمود: «چه دشوار است که توانگران داخل ملکوت خدا شوند.» شاگردان عیسی از این گفته حیران گشتند، همان‌طور که بسیاری از پیروان «جنبش کامیابی» می‌بایست حیرت کنند. آن‌گاه عیسی به سخنانش ادامه داد؛ و شاگردانش حیران‌تر گشتند: «سهل‌تر است که شتر به سوراخ سوزن درآید، از اینکه شخص دولتمند به ملکوت خدا داخل شود.» و شاگردان در بی‌ایمانی، چنین گفتند: «پس کِه می‌تواند نجات یابد؟» و عیسی فرمود: «نزد انسان محال است، لیکن نزد خدا نیست، زیرا که همه‌چیز نزد خدا ممکن است» (مرقس ۱۰:‏۲۳-‏۲۷).

حال، سوال من از واعظان کامیابی این است: چرا می‌خواهید رویۀ خدمتی را پیش گیریدکه ورود مردم را به آسمان دشوارتر گرداند؟

**۲. در خدمتتان رویه‌ای را پیش نگیرید که آتش خواهشهایی را در مردم بیفروزد که خود را در آن بسوزانند.**

پولس می‌گوید: «دینداری با قناعت، سود عظیمی است. زیرا که در این دنیا هیچ نیاوردیم؛ و واضح است که از آن هیچ نمی‌توانیم برد. پس اگر خوراک و پوشاک داریم، به آنها قانع خواهیم بود.» سپس در خصوص اشتیاق برای ثروتمند شدن، هشدار می‌دهد؛ و با برشمردن ماحصل آن، بر ضد واعظانی هشدار می‌دهد که به جای آنکه مردم را یاری رسانند که از سودای ثروت دور شوند، اشتیاق به ثروت را در آنها برمی‌انگیزند. او چنین هشدار می‌دهد: «آنانی که می‌خواهند دولتمند شوند، گرفتار می‌شوند در تجربه و دام و انواع شهوات بی‌فهم و مضّر، که مردم را به تباهی و هلاکت غرق می‌سازند. زیرا که طمع، ریشۀ همۀ بدیهاست، که بعضی چون در پی آن می‌کوشیدند، از ایمان گمراه گشته، خود را به اقسام دردها سفتند» (اول تیموتائوس ۶:‏۶-‏۱۰).

حال، سوال من از واعظان کامیابی این است: چرا می‌خواهید رویۀ خدمتی را پیش گیرید که مردم را برانگیزد تا خود را به اقسام دردها مجروح ساخته، و در تباهی و هلاکت فرو روند؟

**۳. در خدمتتان رویه‌ای را پیش نگیرید که آنچه به بار آورد، به بید و زنگ، آسیب‌پذیر باشد.**

عیسی دربارۀ اندوختن گنجها در این دنیا هشدار می‌دهد؛ یعنی به ما می‌گوید که بخشنده باشیم، نه مال‌اندوز. «گنجها برای خود بر زمین نیندوزید، جایی که بید و زنگ، زیان می‌رساند؛ و جایی که دزدان، نقب می‌زنند و دزدی می‌نمایند» (متی ۶:‏۱۹).

آری، همۀ ما چیزی را می‌اندوزیم. اما با وجود تمایل به طمع‌ورزی که در همۀ ما ریشه دارد، چرا تمرکزمان را از عیسی برداریم؛ و برعکس عمل کنیم؟

**۴. در خدمتتان رویه‌ای را پیش نگیرید که باعث شود مردم به انگیزۀ ثروت اندوختن، سخت کار کنند.**

پولس می‌گوید که ما نباید دزدی کنیم، بلکه با دستان خود سخت کار کنیم، اما هدف اصلی این نیست که صرفاً مال‌اندوزی کرده، یا حتی دارا باشیم. هدف این است که «دارا باشیم، تا بتوانیم ببخشیم.» «به دستهای خود کار کرده، زحمت بکشد، تا بتواند نیازمندی را چیزی دهد» (افسسیان ۴:‏۲۸). این آیه، توجیهی بر آن نیست که ثروتمند باشید، تا بتوانید بیشتر ببخشید؛ بلکه شما را می‌خواند تا بیشتر داشته باشید و کمتر بیندوزید، تا بتوانید بیشتر ببخشید. دلیلی وجود ندارد شخصی که درآمدش دویست هزار دلار است، صرفاً زندگی‌اش متفاوت با کسی باشد که درآمدش هشتاد هزار دلار است. فرض کنید در دوران جنگ به سر می‌برید، خود را با شرایط جنگ تطبیق داده، هزینه‌هایتان را محدود کنید؛ و بقیه را ببخشید.

چرا می‌خواهید مردم را برانگیزید تا چنین پندارند که باید ثروتمند شوند، تا بتوانند بخشنده‌ای سخاوتمند گردند؟ چرا آنها را تشویق نمی‌کنید که ساده‌تر زیست کنند؛ و در همان ساده‌زیستی، سخاوتمندتر باشند؟ آیا ساده‌زیستی در کنار سخاوتمندی، شهادتی قوی نخواهد بود بر اینکه مسیح، گنجشان است، نه دارایی‌هایشان؟

**۵. در خدمتتان رویه‌ای را پیش نگیرید که باعث کم‌ایمانی مردم به وعده‌های خدا گردد، وعده‌هایی که هرگز نمی‌توانند با پول و ثروت جایگزین شوند.**

دلیلی که نویسندۀ رساله به عبرانیان، به ما می‌گوید که به آنچه داریم، قانع باشیم، این است که قانع نبودن، حاکی از کم‌ایمانی به وعده‌های خداست. نویسندۀ عبرانیان می‌گوید: «سیرت شما از محبتِ نقره خالی باشد؛ و به آنچه دارید، قناعت کنید، زیرا که او گفته است: (تو را هرگز رها نکنم؛ و تو را ترک نخواهم نمود.) بنابراین ما با دلیریِ تمام می‌گوییم: خداوند مدد کنندۀ من است؛ و ترسان نخواهم بود. انسان به من چه می‌کند؟» (عبرانیان ۱۳:‏۵-‏۶).

اگر کتاب‌مقدس به ما می‌فرماید که قناعت به داشته‌هایمان، این وعدۀ خدا را ارج می‌نهد که او هرگز ما را ترک نخواهد کرد، چرا می‌خواهیم به مردم تعلیم دهیم که ثروتمند شوند؟

**۶. در خدمتتان رویه‌ای را پیش نگیرید که باعث خفگی مردم شود.**

عیسی هشدار می‌دهد که همان کلام خدا که به ما حیات می‌بخشد، می‌تواند از تأثیر ثروت، خفه گردد. او می‌فرماید که کلام، مانند بذری است که اگر در میان خارها افتد، خفه گشته، از بین می‌رود: «اشخاصی می‌باشند که چون می‌شنوند، می‌روند؛ . . . و دولت . . . ایشان را خفه می‌کند؛ و هیچ میوه به کمال نمی‌رسانند» (لوقا ۸:‏۱۴).

چرا می‌خواهیم مردم را برانگیزیم تا دقیقاً در پی همان چیزی باشند که عیسی هشدار می‌دهد که باعث خفگیِ ما خواهد شد؟

**۷. در خدمتتان رویه‌ای را پیش نگیرید که طعم نمک را بگیرد؛ و بر چراغ، سرپوش گذارد.**

چه چیزی در مسیحیان وجود دارد که آنها را نمکِ جهان، و نور عالم می‌سازد؟ مسلماً آن چیز، ثروت نیست. اشتیاق برای ثروتمند شدن، و در پی آن بودن، طعم دنیا را می‌دهد؛ و دقیقاً مانند دنیاست. این طرز فکر، همان چیزی را به دنیا ارائه می‌دهد که دنیا خود آن را باور دارد. مصیبت عظیم دربارۀ موعظۀ کامیابی این است که لازم نیست افراد از نظر روحانی بیدار باشند تا بتوانند این پیغام را بپذیرند، بلکه فقط کافی است که شخص، طمعکار باشد و بس. با ثروتمند شدن در نام عیسی، نمی‌توان نمک جهان، یا نور عالم گشت. دنیا در این پیغام، صرفاً بازتابی از خودش را می‌بیند؛ و اگر این پیغام عملی باشد، دنیا خریدارش خواهد بود.

محتوای کلام عیسی، خود به ما نشان می‌دهد که نور و نمک به چه اشاره دارند. نور و نمک این است که با شادی، مشتاقِ رنج کشیدن برای مسیح باشیم. عیسی می‌فرماید: «خوشحال باشید چون شما را فحش گویند و جفا رسانند؛ و به خاطر من، هر سخن بدی بر شما کاذبانه گویند. خوش باشید و شادی عظیم نمایید، زیرا اجر شما در آسمان عظیم است، زیرا که به همین‌طور، بر انبیای قبل از شما جفا می‌رسانیدند. شما نمک جهانید . . . شما نور عالمید» (متی ۵:‏۱۱-‏۱۴).

آنچه باعث می‌شود که دنیا مسیح را در ما بچشد (نمک)؛ و ببیند (نور)، این نیست که ما به مانند دنیا، پول‌دوست باشیم، بلکه نور و نمک، آن خواهد بود که مسیحیان با وجود رنج و زحمات، این اشتیاق و توانایی را از خود نشان دهند که دیگران را دوست داشته، و به خاطر پاداشی که در آسمان نزد عیسی دارند، شادی نمایند. از دیدگاه انسانی، این امری توجیه‌ناپذیر است، چرا که از اعلا سرچشمه می‌گیرد. حال آنکه با وعده‌های کامیابی، مردم را جلب کردن، امری زمینی است؛ و نشانی از آسمان ندارد. پیغام عیسی، وعدۀ کامیابی نیست. عیسی جان نداد، تا وعدۀ کامیاب شدن را تحقق بخشد.